سرمقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. در سرمقالهٔ نخستین شمارهٔ فصلنامهٔ سفینه، سال ۱۳۸۲، با اشاره به حدیث ثقلین نوشتیم: «این حدیث شریف – که وصیت جاودانهٔ پیامبر رحمت است – جنبه‌های گوناگون دارد که با وجود تلاش‌های مأجور و مشکور، هنوز به قدر کافی تبیین نشده است.»

از آن روز پانزده سال می‌گذرد. اکنون سفینه گام در شانزدهمین سال فعالیت خود می‌نهد. و همچنان بر آنیم که حدیث شریف و راهگشای ثقلین، با «ظاهر زیبا و باطن ژرف» خود، ناگفته‌های بسیار دارد که پژوهشگران و گویندگان و مدرّسان ما، آن چنان که باید و شاید، این معدن حقایق را نکاویده‌اند و هنوز رازهای سر به مُهر دارد که باید گفته آید.

۲. در فرصت‌های دیگر نیز، بارها به این کلام کلیدی رسول رحمت و برخی لایه‌های آن اشاره شده و گفته‌ایم که در عرصه‌های مختلف باید این حدیث شریف سرلوحهٔ پژوهش، آموزش، تربیت، عمل، ترویج و فرهنگ‌سازی باشد. تاریخ نشان می‌دهد که هر جا بدین شیوه عمل نکرده‌ایم، کیفر کفران این نعمت را چشیده‌ایم.

۳. برگ برگ تاریخ شاهدی صادق است بر این حقیقت که هر جا بنی اسرائیل وار، از منّ و سلوای موهبتی الهی روی گردانده و به گیاهان زمینی دل بسته‌ایم، ندای آسمانی به گوش جان ما رسیده است: «أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر» (بقره / ۶۱)؛ آنگاه تازیانهٔ هبوط بر جان ایمان ما خورده است، گرچه تنها اندکی از انبوه جمعیت امت نما این تازیانه و آن ندای هشدار را به واقع درک کردند و بسیاری به طاق غفلت گذاشتند و گذشتند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.1.7]

٤. تکرار تاریخ را در بهره‌گیری این امت از «باب حطّه» (بقره / ٥٨) دیده ایم که چگونه همانند پیشینیان خود آن را به استهزا گرفتند و کاسه لیس بیگانگان شدند؛ به تعبیر قرآن: «و هم یحسبون أنّهم یُحسنون صنعا.» (کهف / ١٠٤)

٥. در گرمگاه روز دهم سیدالشهدا علیه السلام بر انسان نماهای صحنهٔ کربلا نهیب زد که گوش از شنودن سخن حق بر مگیرید و در برابر پیام نورانی آسمانی هلهلهٔ عمدی نکنید، آنگاه علت آن برخورد زشت را بیان فرمود: «فقد ملئت بطونکم من الحرام.» (بحار الانوار ج ٤٥ ص ٨) و ما آیندگانِ پس از عاشوراء قرنها این کلام را به ظاهر آن فروکاستیم و حقیقت آن را نفهمیدیم که چه پیوند وثیقی با آیهٔ شریفهٔ «فلینظر الإنسان إلی طعامه» (عبس / ٢٤) دارد و با معنای باطنی آن که امام باقر علیه السلام فرمود: «علمه الذی یأخذه عمن یأخذه.» (المحاسن ج ١ ص ٢٢٠)

و هرگز پیوندی برقرار نکردیم میان این آیه و آن صحنهٔ تلخ با تلاش عامدانهٔ مردم برای فراموشاندن حدیث ثقلین. بدین روی بارها آزموده را آزمودیم و پیامدهای تلخ آن را چشیدیم. و همچنان ...

٦. امام سجاد علیه السلام حکمت والای پیوند ناگسستنی قرآن و عترت را در چند جملهٔ کوتاه و گویا چنین بیان می‌دارد:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ- مُجْمَلًا، وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكَمَّلًا، وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّراً، وَ فَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ، وَ قَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَه.» (صحیفه سجادیه، دعای ٤٢)

بر اساس این بیان آسمانی، اجمال را خدای حکیم در این کلام نورانی خود قرار داده است. اما در کنار آن علم به ژرفای کتاب را به پیامبرش سپرده و آن علم را به خاندان این پیامبر به ارث نهاده، و این خاندان را به سبب این علم بر دیگران برتری داده است.

٧. مولی اسماعیل خواجویی فیلسوف و متکلم مشهور بر مبنای همین گونه احادیث در تعلیقات منتشر نشدهٔ خود بر تفسیر صافی با اشاره به حدیث ثقلین می‌نویسد:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.1.7]

«فمن تمسّک بهما نجی البتّة. و من اعترف بحقّهما و عرفهما فی مکانهما و لم یتجاوز عن حکمهما و إطاعتهما فله المثوبات و الحسنات غیر المتناهیة، و له القرب و الوصال و الجنّة و الرّضوان و الفوز العظیم.»

خواجویی در بخشی دیگر از بیان خود به حدیث نبوی استناد می‌کند:

«قوله صلی الله علیه و آله: أنا أوّل وافد علی العزیز الجبّار یوم القیامة و کتابه و أهل بیتی.

أی: معاً و مجتمعین، لأنّ الواو بمعنی الجمعیّة.

و یفهم من هذا الحدیث الشریف أنّ الرسول صلی الله علیه و آله و الکتاب و اهل البیت علیهم السلام لا یفترقون أحد منهم أحداً. و علی هذا من ضیّع حقّ أحدهم، ضیّع حقّ الآخر. و الأمر کذلک بالنقل و العقل. و الوفود بمعنی الورود.

فعلی هذا من ادّعی أنّه آمن بالله و الرسول و القرآن، و لم یطع العترة، فهو کذّاب؛ لأنّ الإیمان بهم متلازم، بل الإیمان شیء واحد لا یقبل التجزیة. و الإیمان بالله عین التصدیق و الإیمان بالعترة الهادیة و الله یعلم.»

و در بیانی شدید اللحن هشدار می‌دهد:

«علامة تمسک القرآن ولایة العترة و إطاعتهم، لأنّهما صاحبان متصادقان، لا یفترقا حتی یردا علی الرسول، کما مرّ. فمن قال أنی متمسّک بالقرآن و لا یحبّهم و لا یطیعهم، فهو کذّاب... ضالّ ... مضلّ ... یجب المفارقة و التنفّر عنه و ...» (تعلیقات تفسیر صافی، نسخه خطی کتابخانه مجلس، ذیل مقدمات صافی)

عبارات این دانشور نیازی به توضیح ندارد.

۸. بگذارید از زبان غیر امامیه نیز جویا شویم و سرّ دلبران را از زبان دیگران بشنویم. محمد بن عبدالکریم شهرستانی متوفی ۵۴۸ ق. (صاحب کتاب الملل و النحل) چهرهٔ مقبول و نام آشنای عرصهٔ کلام، در تفسیر خود «مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار» ابتدا به یک نکتهٔ اساسی در عرصهٔ فهم قرآن اشاره می کند و آنگاه پرده از حقیقتی تلخ بر می دارد: محمد بن عبدالکریم شهرستانی (صاحب کتاب الملل و النحل) چهرهٔ مقبول و نام آشنای عرصهٔ کلام، در تفسیر خود «مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار» ابتدا به یک نکتهٔ اساسی در عرصهٔ فهم قرآن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.1.7]

اشاره می‌کند و آنگاه پرده از حقیقتی تلخ بر می‌دارد:

«سرّ آخر، أن الألفاظ قد ترد فی القرآن مجملة، و إنما تفصیل القول فیها إلی المبیِّن المفصِّل، و هو النبی صلی الله علیه؛ فإنّا لا نعرف من اللفظ المطلق المجمل إلّا ما دلّ علیه من جهة اللغة و الوضع، و البیان بعد ذلک إلی المبیّن، و المبیّن مخصوص بالذکر؛ قال تعالی: "و أنزلنا إلیک الذّکر لتبیّن للناس". و ما قال: لیتبیّن للناس، حتی لا یسع لکلّ عربي یعرف اللغة: "حسبنا کتاب الله"، فلا یحتاج فی زمانه إلی بیانه، و لا یعذر بأنّه إلی نایب ینوب عنه فی تنزیله و تأویله. و النائب عنه هو الوارث عنه، و العلماء ورثة الأنبیاء. و الوارث من یثبت

الحقّ أولاً لمورثه، ثم یرث عنه. فأمّا من بطل حقّ مورثه لم یکن وارثاً عنه.» (مفاتیح الاسرار، چاپ عکسی بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ج ۱ ص ٥٦ ب)[1]

۹. بر مبنای توضیح شهرستانی، به چند نکته می‌رسیم:

یک. الفاظ در قرآن مجمل‌اند.

دو. تفصیل به مبیّن یعنی پیامبر سپرده شده است.

سه. بدون تعلیم پیامبر، از قرآن فقط لفظ را می‌شناسیم نه ژرفای کلمات را.

چهار. این منصب به نصّ قرآن به پیامبر سپرده شده است که فرمود: «لتبیّن للناس» (برای اینکه تو – ای پیامبر – برای مردم تبیین کنی)

پنج. خداوند نفرمود: لیتبیّن للناس (برای مردم به خودی خود روشن شود).

شش. لذا یک اعرابی بیابنگردِ بی خبر از ادبیات عربی را نرسد که «حسبنا کتاب الله» بگوید.

هفت. نایب پیامبر، عالم به علم نبوی و وارث علم او است.

هشت. وارث کسی است که ابتدا حقّی برای مورَث ثابت کند، آنگاه برای خود ادعا کند که آن حقّ را به ارث برده است.

۱. نخستین بار استاد فقید مرحوم عبدالحسین حائری بیست و چند سال پیش این کلام را به نگارندهٔ این سطور نشان داد و اهمیت آن را گوشزد کرد. یاد و نام روشن او همواره گرامی باد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.1.7]

نه.کسی که حقّ علم قرآن را برای مورث خود، ثابت نداند، در چه مورد خود را وارث پیامبر می‌داند؟

۱۰. شهرستانی همچنین به تحیّر امت اشاره می‌کند، از آن روی که برای فراگیری حقایق قرآن به اهل بیت علیهم‌السلام رجوع نکردند. از کلام خودش باز خوانیم که: «عندلیب آشفته‌تر می‌خوانَد این افسانه را». وی (در فصل دوازدهم از مقدمهٔ مفصل خود تحت عنوان شرایط تفسیر قرآن) پس از اشاره به سرگردانی مفسّران می‌نویسد:

«و إنّما وقع لهم هذا التحیّر لأنّهم لم یأتوا العلم من بابه، و لم یتعلّقوا بذیل أسبابه، فانغلق علیهم الباب و تقطّعت بهم الأسباب، و ذهب بهم المذاهب حیاری ضالّین. ذلک بأنّهم کذّبوا بآیات الله و کانوا عنها غافلین. و آیات الله اولیاؤه کما قال تعالی: و جعلنا ابن مریم و أمّه آیة ...» (مفاتیح الاسرار، ج ۱ ص ۲۶ آ)

شهرستانی منشأ این سرگشتگی امت و تحیّر خواصّ را روی گردانیِ عمدیِ آنها از آیات خدا یعنی اولیای او می‌داند. آنگاه در ادامهٔ کلام خود، شواهدی از فضایل امیرالمؤمنین و اهل بیت خصوصاً امام صادق علیه‌السلام در باب علم الهی به تفصیل می‌آورد که این مجال مختصر را امکان نقل تمامی آن نیست.

۱۱. پیش از این در چهار شماره که به بحث قرآن بسندگی اختصاص داشت، در بارهٔ این پدیده و پیامدهایش مطالبی بیان شد. اینک در این شماره بر آنیم تا پرده‌هایی از حکمت الهیِ پیوستگی قرآن و عترت بازگوییم. می‌دانیم که مجال سخن فراخ است و بضاعت و فرصت ما بس اندک. همین بزم آورد مختصر را که فرادید آمد، به لطف صاحبدلان و یاران همراه به سامان رسید. و سپاس ما نثار همهٔ آنان باد.

اینک چند اشارهٔ دیگر از همراهیِ کتاب و عترت در این شماره به پیشگاه پژوهشیان و علاقمندان به ثقلین پیشکش می‌شود؛ باشد که گامی کوتاه در راه بلند حفظ این امانت گرانسنگ به شمار آید و پاسداشت سفارش رسول رحمت در کارنامهٔ ما ثبت و ضبط شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.1.7]

۱۲. همچون همیشه چشم ما به دعای خیر و اِنعام عامّ امامی است غایب از نظر و حاضر در دل، که گرچه بسان خورشید در ورای ابر است و بمانند بوی گل، از دیده‌ها نهان؛ امّا فیض او بر خار و گل رسیده و چتر گستردهٔ آن بر سر این خادمان ناچیز نیز کشیده شده است.

تردید نداریم که اگر توفیق الهی به واسطهٔ آن حجت معصوم الهی به ما نمی‌رسید، هرگز سفینهٔ ما پانزده سال پر فراز و نشیب را پشت سر نمی‌نهاد.

اکنون نیز که پس از این دورهٔ پر ماجرا با شما سخن می‌گوییم، پس از ادای سپاس به محضر یکایک نویسندگان و داوران و ویراستاران و خوانندگان، از همهٔ آنها می‌خواهیم که همچنان همکاری صادقانه، نقد مخلصانه و دعای خیر خود را از این خادمان خود دریغ ندارند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.1.7]